



دانشگاه علامه طباطبائی
اولین نشریه ویژه‌ی دختران
دانشگاه علامه طباطبائی

زنان

ماهنامه فرهنگی اجتماعی «سیاسی»
شماره دوم - خرداد ماه ۱۳۹۷

بای بسم ...

□ ریحانه پناهی
دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی

مرد شوید تا زن خوبی باشید!



تفاوت های زیستی و طبیعی زنان به دلیل همان روح برابری خواهی کاملارد شده و اعلام شده است که زنان تفاوتی با مردان ندارند! اما خود در ماده های چهار، یازده و دوازده تفاوت زنان با مردان را در امر بارداری و مادری معترف شده و در واقع نظریه پیشین خودش را نقض کرده است.

سند تلاش کرده است تا با تاکید بر اصل تساوی مطلق رسالت های زنانه را به حاشیه ببرد و او را یک مرد تمام عیار بداند. اشکال جدی این کنوانسیون در همین نکته است؛ که حتی با آن همه ادعای نگاه روشنفکرانه به زن هم چنان مرد را جنس معیار می داند و برای هر نوع برابری و مساوات مصداقی از مردان را می آورد.

تا زمانی که خود زنان مرد را جنس معیار بدانند و درگیر کلیشه های جنسیتی باشند چه انتظاری از جامعه و نظام بین الملل است که زن را یک انسان بدانند و نه یک ابزار جنسی؟!

زنان برای احقاق حق خود قدم در مسیری گذاشته اند تا خود را شبیه مردان کنند؛ شاید بتوانند به ظلم ها و تبعیض ها پایان دهند. اما آنان فراموش کرده اند که خودشان هم درگیر همان ذهن بسته ی جنسیت زده ای هستند که مقایسه ی با مردان عادتشان شده است.

زنان مشت های گره کرده شان را بالا گرفته بودند و درحالی که یک پایشان را روی آسفالت های نیویورک می کوبیدند فریاد زدند؛ نه به تبعیض های جنسیتی! این شعار مطالبه زنانی بود که تنها بخاطر جنسیت شان مورد تبعیض، ظلم و خشونت جامعه قرار می گرفتند. جامعه ای که آنان را فقط یک ابژه جنسی می دید و نه بیشتر.

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ مهم ترین سندی است که پس از طی مراحل بسیار و به کمک کشورهای مختلف در جهت احقاق حقوق زنان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. زنان در طول تاریخ همواره مورد ستم و نابرابری های انسانی قرار گرفته اند؛ با تحولات رنسانس زنان نیز خواستار اعاده حیثیت و حقوق تضييع شده شان شدند و با شعار تساوی زن و مرد برابری دو جنس را فریاد زدند و در اینجا بود که فمینیسم شکل گرفت. با تشکیل سازمان ملل متحد و تصویب اعلامیه حقوق بشر این جنبش خواستار احقاق حقوق زنان در قالب مصوبه ای شد و کنوانسیون مذکور برپایه ی اندیشه های برابری خواه فمینیسم اعلام وجود کرد. روح حاکم بر کنوانسیون مساوات مطلق است و هیچ تفاوتی را مگر به نفع زنان و برای جبران عقب ماندگی آنان از مردان نمی پذیرد. در این کنوانسیون

گزیده

میدان دادن به زنان

زن در همه ی جوامع - از جمله در جامعه ی ما - گرفتار ستم و دچار کمبودهایی است که بر او تحمیل می شود؛ اما این کمبود، کمبود آزادی به معنای بی بندوباری نیست؛ این کمبود، کمبود میدان ها و فرصت ها برای علم و معرفت و تدبیت و اخلاق و پیشرفت و شکوفایی استعدادهاست. این را باید تامین و جستجو کرد. این همان چیزی است که اسلام روی آن تکیه کرده است.

توصیه ی من به خواهران و دختران عزیزم این است که معلومات و آگاهی هایتان را بیشتر کنید. مطالعه، دقت، تحقیق، درس، ورود به مسائل مورد ابتلای روز و اهتمام به کارهای دینی، جزو وظایف حتمی و مسلمی است که امروز زنان کشور باید مثل مردان، خود را موظف به انجام آنها بدانند.

امروزه متدین ترین، انقلابی ترین، پاک ترین و باایمان ترین دختران و زنان جوان ما، در مبان قشرهای تحصیل کرده هستند.

*مقام معظم رهبری

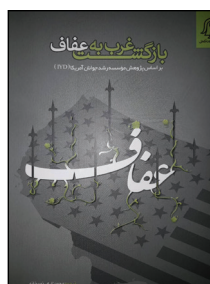
بازگشت غرب به عفاف

نویسنده: محمد زارعی توپخانه

ناشر: تلاوت آرامش

طبق پژوهش های انجام گرفته توسط موسسه رشد جوانان آمریکا (IYD)، والدین و جوانان آمریکایی معتقدند بهترین گزینه برای نوجوانان پرهیزگاری و عفاف است. اگرچه اکثریت پیامهایی که در آمریکا نوجوانان را مورد خطاب قرار می دهد، مغایر با این ارزشها است. بررسی محتوایی جدیدی نشان می دهد ۷۰ درصد از برنامه های تلویزیونی مورد علاقه ی نوجوانان در آمریکا، دارای محتوای جنسی است. همچنین، تحقیق نشان می دهد نماییس پرچم برنامه های جنسی در رسانه به نوجوانان، ادراک نادرستی ارائه می دهد که مطابق با دنیای واقعی نیست.

معرفی کتاب



زن در قانون



دهد؛ بند ۱۴ بنحوشایسته ای لفظ «زن و مرد» رایکاربرده است تا از بسیاری تفسیرهای غلط و متعارض جلوگیری کند.

بند ۱۴: تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون. این بند علاوه بر ذکر حقوق به صورت عام، تاکید بر امنیت قضائی عادلانه و تساوی همگان در برابر قانون دارد؛ بدین معنا که سیستم قضائی باید عملکردی صحیح و بهنگام و بدون تبعیض در جهت رسیدن به اهدافی که برایش تعیین شده داشته باشد، تا عموم مردم به این سیستم اطمینان پیدا کنند. از جمله اصولی که در فصل ۳ و در ذیل حقوق ملت، به برابری حقوق همگان پرداخته است، اصل نوزدهم قانون اساسی است.

اصل نوزدهم: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. نکته ای که حائز اهمیت است این است که در اصل بعد که اصلی بسیار مهم در رابطه با حقوق زنان است از لفظ زن و مرد استفاده شده و سوالی که پیش می آید این است که چرا قانونگذار از بکار بردن لفظ زن و مرد در اصل نوزدهم طفره رفته است! در حالی که میتوانست با این کار، بسیاری از شک و شبهه ها و تفسیرهای متفاوتی را که امروزه از این اصل میشود، برطرف سازد. این در حالی است که قطعاً میدانیم منظور قانونگذار از لفظ مرد ایران، جنس خاصی نیست.

اصل بیستم: همه ی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. قانونگذار در ذیل اصل، قائل به شرطی شده است؛ رعایت موازین اسلامی. طبق تفسیر و توضیح، برای رسیدن به این موازین باید تنها به فقه اسلامی و نظر فقها مراجعه کنیم. بر این اساس، طبق اصل چهارم، وظیفه ی بررسی کردن حقوق مذکور را از نظر رعایت موازین اسلامی، شورای نگهبان داراست.

شاید این تفسیر منتج به این شود که در بسیاری از موارد، نظریک فقیه، بسیاری از حقوق ذکر شده در این اصل را نادیده انگارد و بدین ترتیب عدالتی که مدنظر است، محقق نشود. اما در مقابل این تفسیر، تفسیر دیگری هم هست؛ بر اساس تفسیر موسع، تنها بررسی کردن فقه مدنظر نیست بلکه تمامی منابع اسلامی و اخلاقیات (قرآن، عقل، سنت، اجماع) باید بررسی شود تا شرط مذکور محقق شود. بکاربرده شدن لفظ «همه» در کنار حقوقی که در این اصل نام برده شده، افاده ی عموم میکند؛ تنها اصلی که حضور زنان در آن بصورت مستقیم تصریح نشده و حالتی ابهام گونه دارد اصل ۱۱۵ قانون اساسی میباشد؛

اصل صد و یازدهم: رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی... انتخاب گردد. ولی میتوان گفت اکثر حقوق دیگر مثل اقتصاد ای اینگونه نمی باشند و زن همانند مرد، هر کار مشروعی را در جامعه میتواند انجام دهد. از معدود اصولی که مختص به زنان است و در جنبه های مختلف از حقوق آنان حمایت به عمل آورده است، اصل بیست و یکم قانون اساسی است؛ دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات، با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱) ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

در مقاله قبل، با کلیاتی راجع به حقوق زنان در قانون اساسی و برخی دیدگاهها و نظرات آشنا شدیم و بر آن شدیم تا اصولی بنیادین از

قانون اساسی را که مختص زنان می باشد، مورد بررسی قرار دهیم. اگر تمامی اصول این قانون را مورد بررسی قرار دهید، به خوبی متوجه خواهید شد که قانون گذار به هیچ عنوان (به جز در اصل ۱۱۵ که در ادامه توضیح خواهیم داد) تبعیضی بین زن و مرد قائل نشده است.

تبعیض علیه زنان بر اساس ماده ۱ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مصوب ۱۳۷۹، بدین گونه تعریف شده است: «در چارچوب پیمان نامه ی حاضر، تبعیض علیه زنان به معنی هرگونه تمایز یا محدودیت ناشی از جنسیت است که از لحاظ تساوی حقوق زن و مرد و صرف نظر از وضعیت تاهل، آزادی های بنیادین زنان در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی یا هر زمینه دیگر بوده یا منجر به آن می شود.»

از آنجایی که حقوق زن جزء لاینفک حقوق بشر است، در واقع رعایت نکردن آن، خلل وارد کردن در حقوق بشر است و خسارات جبران ناپذیری بر جای میگذارد.

از جمله اصولی که به حقوق زن پرداخته است، اصل سوم از فصل اول قانون اساسی است، که در ذیل اصول کلی آمده است.

اصل سوم: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای رسیدن به اهدافی که در اصل قبل بیان شده است (قسط و عدل، استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، همبستگی ملی) همه ی امکانات خود را بکارگیرد:..... در صدر این اصل، منظور از دولت، تنها هیئت دولت و قوه مجریه نیست، بلکه حکومت بطور کلی، مدنظر قانونگذار است؛ یعنی تمام قوا و ارگانهای جمهوری اسلامی در حد توان باید تلاش خود را در این راستا انجام دهند.

این اصل ۱۶ بند دارد که همگی در جهت برابری میان اعضای ملت مطرح شده است ولی بندهای ۳، ۸ و ۱۴ چون دارای الفاظ عام هستند، به بحث ما نزدیک تر میباشد؛ مطلوب ترین بود که سایر بندها هم همینگونه بودند.

بند ۳ به آموزش و پرورش رایگان در تمام سطوح برای همگان اشاره دارد و از لفظ «همه» استفاده شده است؛ بدین معنا که بین زن و مرد، در امکانات آموزشی و فراگیری دانش نباید هیچ تبعیضی قائل شد.

در بنده، مشارکت عامه ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش مورد اشاره قرار گرفته است که مجدداً از لفظ «عامه ی مردم» استفاده شده است؛ همگان اعم از زن و مرد باید بتوانند در انتخابات شرکت کنند و سرنوشت خویش را خودشان رقم بزنند.

بند ۱۴ که از بندهای اساسی این اصل میباشد، تقریباً همه حقوق را در برمیگیرد و شاید بتوان گفت تمامی بندهای این اصل را در خودش جای می

بند ۳ اصل ۲۱ قانون اساسی مصوب ۷۶، قانون اعتبارگاهی عدم سازش مصوب ۷۶، قانون الحاق ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی مصوب ۷۶ اشاره کرد.

با وجود این اصول و قوانین که ضرورت بر تساوی حقوق زن و مرد دارند، در عمل همچنان موانعی وجود دارد!! برخی از این نارسایی ها و کاستی ها با وجود تلاشهای بسیار، یا ناشی از خلاقانوی است و یا ناشی از به کاربردن الفاظی در متن قانون است که موجب برداشت های متعارضی از آن میشود؛ ولی متأسفانه گاهی با وجود صریح بودن نص قانون، برخی مجریان قانون برای حفظ منافع خویش، تفاسیر ناپسندی از آن می کنند که در این راستا باید نظارتی قوی در دادگاه ها حاکم باشد.

در آخر میتوان گفت که توجه به برخی تحولات اخیر در جامعه، دور شدن از برخی خرافه ها در باب جنس زن، شرکت دادن زنان در امور سیاسی که از آنها منع شده اند و بسیاری راهکارهای دیگر، باعث اجرایشان هر چه بهتر عدالت و اصول قانون اساسی میشوند؛ هر چند که بنظر میرسد بهترین راه حل، فرهنگ سازی مناسب نقش زنان در اذهان عمومی است.

۲) حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.

۳) ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴) ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۵) اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

تمام بندهای این اصل، حمایت های مادی و معنوی را برای جنس زن در نظر گرفته است و مفاد آنها کاملاً صریح میباشد بجز بند پنجم؛ سرپرستی زن از کودک خودش فقط هنگامی است که دین برای کودک وی، سرپرست دیگری مشخص نکرده باشد. ولی قهری یک کودک، پدر و جد پدری هستند که کلیه امور مالی، تربیتی، آموزشی و... کودک، با تنفیذ آن دو صورت میگیرد.

پس اگر یکی از آن دو در قید حیات باشند، مادر کمترین اختیار قانونی را دارا است که میتوان گفت از معایب این قانون به شمار می رود؛ بدیهی است که مادر بجز در موارد نادر، دلسوزتر از همگان برای کودک میباشد و رابطه ی عاطفیش متفاوت است با رابطه دیگران. اصول بسیار دیگری نیز، در قانون اساسی وجود دارد که بطور غیر مستقیم به حقوق برابر می پردازد؛ اصول ۴۷، ۴۱، ۳۵، ۳۴، ۳۱، ۲۹، ۱۰، ... در جهت اجرای این اصول، قوانینی به تصویب رسیده اند که از جمله ی آن میتوان به قانون اصلاح مقررات قانون طلاق مصوب سال ۷۰، قانون اختصاص بعضی از دادگاه های عمومی به دادگاه های خانوادگی موضوع

□ معصومه بدوی

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی

کدام خشونت؟



بنیان خانواده محقق نشده است که امنیت خانه و خانواده ای هم به یغما رفته است. چه میزان در تفاوت رفتار زندانیانی که به دلیل این جرم مجازات شده اند، موثر خواهد بود؟

تغییر در شیوه مجازات در کنار وضع آن راهکاری است که نتایج بهتری را می تواند حاصل کند چرا که عموم اجتماع نیز نسبت به چنان محاکمه ای ذهنیت مطلوبی نداشته و نخواهند داشت.

خشونت علیه روح یک زن به مراتب تبعات بیشتری در بردارد اما ای کاش زمانیکه از خشونت علیه روحیات یک زن می نوشتند تا در قالب قانونی مدون آن را بازستانند مشخص میشد که معیار سنجش این خشونت چیست؟ و برای هر میزان از خشونت چه مجازاتی در نظر گرفته می شود؟

و ای کاش بیش از آنکه نهاد های ما آماده بکار هستند تا هنجارهای متعدد وضع کنند و عرصه را بر اجتماع تنگ، کمی ارزش ها را برای مردم خود واکاوی می کردند؛

این حرف اگرچه کهنه و تکراری اما خوب است کمی شنیده شود...

لایحه منع خشونت علیه زنان اما با وجود داشتن نکات مثبت بسیار، اشکالات فراوان دارد که شاید در زمانیکه هنوز متنی از این لایحه پرسروصدا به بیرون درز پیدا نکرده، بررسی آن ناصواب بنظر برسد اما زمزمه ها در له و علیه آن گویای بخشی از متن حاضر می باشد.

خشونت اگرچه مصادیق بسیاری دارد و شامل خشونت علیه جسم و روح زن می شود اما تعیین اینکه چه مواردی مطابق با عرف و فرهنگ عامه مردم حقیقتاً خشونت هستند نیازمند بررسی های بسیار است.

سخن گفتن از جزئی ترین منازعات خانوادگی و کشاندن آن به دایره جرم انگاری نه تنها موجب استحکام بنیان خانواده نمی شود که حتی تبعات فراوان دارد.

فرهنگ عامه آن چیزی است که سالهای سال مردم با آن زیسته و خو گرفته اند هر چند در پاره ای از مواقع نامتعارف باشد اما تغییر آن، به وسیله یک قانون نو ظهور بیش از آنکه راهگشا باشد، حیطة شمول خود را دچار بحران خواهد کرد خصوصاً آنکه راه چاره مطابق با فرهنگی بیگانه باشد.

اگر قرار است مردان زیادی را به دلایل هر چند نامتعارف اما در بسیاری از موارد ناچیز پشت میله های زندان ببینیم، بنیان خانواده ها چطور مستحکم خواهند شد؟ دیگر نه تنها صیانت از

سفرنامه‌ی موجود فضایی که بسیار نمی‌دانست



لبخند زد و گفت :

+پس از کشورهای همسایه اومدین، انشالله که از عراقین و همجوار ائمه، گفتید سنی هستید؟
-ائمه؟

+آره دیگه، عزیز کرده های خدا رو میگم! همونجا که حاجت میدن، روزی بهشت باهاشونه! نگفتید چه دینی دارین؟

-پس خدا چی میشه؟

+ببین پسر جون بذار یه مثال بزنم! تو بخوای با شخص اول مملکت حرف بزنی که نمیتونی! می تونی؟ نمیشه، باید از طریق نزدیکان و مسئولین مربوطه پیامت رو برسونی و درخواستی داری مطرح کنی؛ حالا از خدا بالاتر؟ ائمه واسطه ن!

-این آقایون کجان؟

+پیش خدا و همه جا، در ضمن همشون آقا نیستن، مثلاً این عکس کوچولوی ماست که اسمش از روی سید زنان دو عالم انتخاب شده، (بنت احمد) آخه اسم باباش احمده

عکس بچه ی چند ماهه ای رو نشونم داد که سنی نداشت و اگر نمی گفتن دختره مشخص نبود!

-چرا دختر رو به اسم باباش می خونین؟

+یه جورایی رسمه

-خودش اسم نباید داشته باشه؟

+نه داره ولی خب مسئله ی حیا و غیرته

-این بده از نظر حیا و غیرت که زن اسم داشته باشه؟
+ای بابا ما رو وارد سیاست نکن حاجی! سوال تو پپرس بینیم چیکاره ایم تا نماز شبمون!

-خب من دنبال سوال انسان به واقع چی می خواد بودم که بهم کتاب معرفی کردن، بعد از خوندن کتابا فکر کردم جوابمو گرفتم ولی تو تحقیق عملی عکسش نتیجه گیری شد! انسان ها دنبال سعادت بشری و خیر دنیا و آخرت و تعالی روح نبودن! اکثراً خونه و ماشین و افزایش یارانه و بابا می خواستن... نمی دوئم شایدم انسان ها اصولاً با حرفاشون فرق دارن!

روحانی چهرش محزون شد و به فکر فرو رفت...

+تو کتابایی که خوندی راجع به آخرالزمان هم نوشته شده بود؟

-آره خب

+پس اینم می دونی که هیچی سر جای خودش نیست؟! اینجا کنکور میدن تا چشم عمه سهیلا درآد و میگن فتح قله های علمی! زن می گیرند بدون اینکه استطاعت مهریه ش رو داشته باشن

در قسمتای قبل گفتیم موجود فضایی برای پیدا کردن پاسخ سوال: (انسان واقعا چه می خواهد؟) به زمین اومد و در کشوری به تحقیق مشغول شد که به طور تئوری تا حد زیادی برای انجام کارها و خواسته هایشان معیار دینی داشتند؛ پس به کتابفروشی رفت و بعد از مطالعات زیاد به تحقیق فرد به فرد رسید و این مطالعه ی میدانی نتیجه ی متناقضی با مطالعه ی کتابخانه ای داشت
مقابل دانشگاه علامه طباطبائی بود که شخصی روحانی با قول پاسخگو بودن سؤالانش او را با خود به مسجد برد و...

اشهدوا ان لا اله الا الله

آدم با آرنج و صورت های خیس یکی یکی میومدن و صف می گرفتن، شبیه صف نانوايي نبود...

اینوری وایساده بودم و نونی هم در کار نبود! نمی دونستم صف برای چی بود تا اینکه نماز (فعالیتی که طی آن عبد به معبود خود طی پنج وقت ابراز تواضع می کند) شروع شد.

فقط یک نفر حق داشت نمازش رو بلند بخواند، بقیه از ترس ززمه می کردند که اصطلاحش اقتدا نام داشت و دیدن چیزهایی که قبلاً خوانده بودم بسیار متفاوت بود؛ مثلاً جایی بود که صف وصل نبود یا یکی رو دیدیم تکون می خورد یا زودتر از پیش نماز رکوع و سجده می رفتن! یک جا هم مکبر اشتباه گفت زمان تشهد رو که دلم برای خاتم های پشت پرده سوخت!

بعد از نماز خیللیا دور آقای روحانی حلقه زدن که حدود یک ربع طول کشید تا سرش خلوت شد بعد اومد پیش من و گفت:

+خب، کیف حالک برادر؟

اولش قفل کردم ولی بعد یادم اومد اینجا کلمات ایرانی خیلی استفاده می کنن، پس گفتم:
-جید جداً!

و این در شرایطی که اون زن بهشون حرومه! پول در میارن از راه حروم و میخوان با دادن صدقه حلالش کنن!
اینجا هیچی سر جاش نیست! دیگه نیست

اینجا زنا خرج مردا رو میدن اینجا هرکی پی خداتره رو بورس تره، باید باهاشون زندگی کنی تا بفهمی چرا آخرالزمان قومی که می خوان طبق اون تئوری های که خوندی زندگی کنن دینشون رو برمی دارن و از شهراشون میرن!

-دنیا قراره نابود شه؟ آخرالزمانه یعنی امروز؟

+نه تا قبل از ظهور آقಾಮون

-کی؟

+امام وقت، بقیة الله الاعظم حضرت محمد بن حسن عسکری

-اگر بیاد چی میشه؟

+دعا کن بیاد، درست میشه

-بیشتر کجا ها میاد؟

+تو دعا کن بیاد، همه جا!

ادامه دارد...

(اللهم عجل لولیک الفرج)